

**پرسش ۷۰: سخن خداوند متعال: «عم يتساءلون... ثم كلا سيعلمون»**

**السؤال / ۷۰: ما المقصود بسورة النبأ؟ قوله تعالى: (بسم الله الرحمن الرحيم \* عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ \* الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ \* كَلَّا سَيَعْلَمُونَ \* ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ) [185] صدق الله العظيم.**

**ما المقصود بقوله تعالى: (كلا سيعلمون ثم كلا سيعلمون)؟**

المرسل: ميساء جعفر السعدي

مقصود از سوره‌ی نبأ چیست؟ «به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان، از چه چیز می‌پرسند؟ \* از آن خبر بزرگ \* که در آن اختلاف می‌کنند \* آری، به زودی خواهند دانست \* باز هم آری، به زودی خواهند دانست» [186].

منظور خداوند از «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ، ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» چیست؟

فرستنده: میسا جعفر سعدي

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.**

**(عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبَأِ الْعَظِيمِ \* الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ \* كَلَّا سَيَعْلَمُونَ \* ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ) [187].**

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

«به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان، از چه چیز می‌پرسند؟ \* از آن خبر بزرگ \* که در آن اختلاف می‌کنند \* آری، به زودی خواهند دانست \* باز هم آری، به زودی خواهند دانست» [188].

هذه قصة تتكرر في كل زمان يبعث فيه خليفة من خلفاء الله في أرضه وسمائه، فهي قصة اختلاف الخلق في حجة الله عليهم - من الأنبياء والأوصياء المرسلين (ص) - ، أو كما سماه تعالى : (النَّبَأُ الْعَظِيمِ) [189]، فأول خليفة من خلفاء الله سبحانه النبي آدم (ع)، اختلف فيه الملائكة بين مطيع لأمر الله في قبول خليفته والسجود له وهم الملائكة، وبين عاصٍ لأمر الله ورافض لخليفته ومنتكبر عليه وهو إبليس (لعنه الله) [190]، الذي كان بحسب طاعته السابقة من الملائكة وبحسب أصله من الجن [191].

این داستان در هر زمانی که خلیفه‌ای از خلفای خداوند متعال برای اهل زمین و آسمان فرستاده می‌شود، تکرار می‌گردد. این قضیه همان اختلاف داشتن خلق نسبت به خلیفه‌ی خداوند از انبیا و اوصیا و فرستادگان می‌باشد یا همان گونه که خداوند متعال آن را «النَّبَأُ الْعَظِيمِ» (خبر بزرگ) نامیده است [192]. اولین جانشین از جانشینان خداوند متعال، حضرت آدم (ع) بود که در سجده و اطاعت از امر خداوند بر قبول کردن خلیفه‌اش و سجده بر او، اختلاف پیش آمد؛ بین ملائکه که فرمان را پذیرفتند با نافرمانِ فرمان الهی یعنی کسی که خلیفه‌اش را نپذیرفت و بر او تکبر ورزید که همان ابلیس (لعنت الله) بود [193]، اختلاف به وجود آمد. ابلیسی (لعنت الله) که به دلیل عبادات پیشینش از ملائکه به حساب می‌آمد، اما اصلش از جن بود [194].

وقد توعد إبليس (لعنه الله) بني آدم بإضلالهم وجعلهم يتابعونه في التكبر على خليفة الله سبحانه في كل زمان، وهكذا فإنّ الناس ينقسمون في كل زمان بين متابع للملائكة في طاعتهم لخليفة الله، وبين متابع لإبليس (لعنه الله) في التكبر على خليفة الله. وسيعلم من تابعوا إبليس لعنه الله في التكبر على خلفاء الله أي منقلب ينقلبون (وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون) [195].

ابلیس که لعنت خدا بر او باد، وعده‌ی گمراه کردن و کشانیدن آنها به پیروی از خودش در تکبر ورزیدن بر خلیفه‌ی خداوند سبحان در هر زمان را داده است. به این ترتیب در هر زمان، مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: عده‌ای پیرو ملائکه در اطاعت از جانشین خداوند سبحان و عده‌ای دیگر تابع ابلیس (لعنت الله) در تکبر و بزرگی ورزیدن

بر خلیفه‌ی خدا می‌شوند و آنان که در تکبر و ورزیدن بر خلفای الهی پیرو ابلیس که لعنت خدا بر او باد، می‌شوند، به زودی خواهند فهمید که به کدامین بازگشت‌گاه، بازخواهند گشت: « و ستم‌کاران به زودی خواهند دانست که به چه مکانی باز خواهند گشت » ([196]).

**(كَلَّا سَيَعْلَمُونَ) أي في القيامة الصغرى (قيام القائم).**

«كَلَّا سَيَعْلَمُونَ»: یعنی در قیامت صغری (قیام قائم).

**(ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ) أي في القيامة الكبرى، والعاقبة للمتقين (إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا)** ([197])، الذين آمنوا بخلفاء الله وأطاعوهم وساروا على صراطهم المستقيم، الذين عرفوا الله بخليفته. وكيف لا يكون خليفة الله هو (النَّبَأُ الْعَظِيمُ)؟! وهو باب معرفة الله، وكيف لا تكون خلافة الله هي النبأ العظيم؟! وقد تمخضت عن محمد وآل محمد (ع)، وهم وجه الله وأسماءه الحسنی، وظهور الله في فاران وبهم عرف الله، فأی نبأ أو خبر أحق أن يسمى بالنبأ العظيم من نبأ وخبر تأسيس قانون معرفة الله، ومن نبأ تأسيس قانون معرفة خليفة الله، ومن نبأ تأسيس خلافة الله التي ستتمخض عن محمد (ص) (ظهور الله في فاران)، أو الله في الخلق أو صورة الله؟!!

«ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ»: یعنی در قیامت کبری، خواهند فهمید و عاقبت نیک از آن تقوی پیشگان است. «پرهیزگاران را جایی است در امان از هر آسیب» ([198]); کسانی که به خلفای خدا ایمان آوردند و آنان را اطاعت کردند و به صراط مستقیم آنها شتافتند؛ همان کسانی که خدا را با جانشینش شناختند. پس چطور خلیفه‌ی خدا همان «النَّبَأُ الْعَظِيمُ» نباشد؟! در حالی که او دروازه‌ی شناخت خداوند متعال است و چطور خلافت الهی همان خبر بزرگ «النَّبَأُ الْعَظِيمُ» نباشد؟! در حالی که از محمد و آل محمد (ع) نشأت گرفته است و ایشان همان وجه الله و اسماء الحسنی (نام‌های نیکو) و ظهور خدا در فاران هستند و با آنها خدا شناخته شد. پس کدامین خبری غیر از خبر بنیان

نهادن قانون شناخت خداوند و قانون شناخت خلیفه‌ی خداوند و خبر خلافت الهی که از محمد(ص) یعنی ظهور الله در فاران یا الله در خلق یا صورت خداوند سرچشمه می‌گیرد، شایسته‌تر است که خبر عظیم خوانده شود؟!!

وفي القرآن هذا البيان للنبا العظيم، وفيه ذكرى لمذكر وعبرة لمعتبر، لعله يعلم ويكون ممن يعلمون ويسجدون، ولا يبقى على جهله وتكبره، فيكون ممن يُنذرون بقوله تعالى: (كَلَّا سَيَعْلَمُونَ \* ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ)، وبقوله تعالى: (قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ..... وَ لَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ) [199].

این بیان در قرآن مربوط به خبر عظیم است و در آن یادی برای یاد کنندگان و درسی برای عبرت‌جویان است، شاید که درک کنند و از کسانی باشند که می‌دانند و سجده می‌کنند، تا از جهل و تکبر خارج شوند و از کسانی که قرآن این گونه آنها را انذار فرموده است «كَلَّا سَيَعْلَمُونَ \* ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ» نباشند و همچنین با این سخن خداوند متعال: « بگو: این است همان خبر عظیمی که از آن روی گردانید.... و پس از چند صباحی خبرش را خواهید دانست » [200].



[185] - النبا: 1 - 5.

نبا: 1 تا 5.

[187] - النبا: 1 - 5.

نبا: 1 تا 5.

[189] - عن علي بن أبي طالب، قال: (أقبل صخر بن حرب حتى جلس إلى رسول الله (ص) فقال: يا محمد، هذا الأمر بعدك لنا أم لمن؟ قال: يا صخر، الأمر بعدي لمن هو بمنزلة هارون من موسى. قال: فانزل الله تعالى: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبِيَّ الْعَظِيمِ \* الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ) منهم المصدق بولايته وخلافته، ومنهم المكذب بهما، ثم قال: كلا، ورد هو عليهم سيعلمون خلافته بعدك أنها حق، ثم كلا سيعلمون، ويقول: يعرفون ولايته وخلافته إذ يسألون عنها في قبورهم فلا يبقى ميت

في شرق ولا غرب ولا في بر ولا في بحر إلا ومنكر ونكير يسألانه عن الولاية لأمر المؤمنين بعد الموت يقولان للميت من ربك وما دينك ومن نبيك ومن إمامك) مناقب آل أبي طالب - لابن شهر آشوب: ج 2 ص 276.

وعن سدير، عن أبي عبد الله (ع)، قال: قلت له: قول الله تبارك وتعالى: (بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ) وقوله تعالى: (قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ \* أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ) قال: (الذين أوتوا العلم الأئمة، والنبا الإمامة) بحار الأنوار: ج 32 ص 203.

وعن عبد الله بن كثير، عن أبي عبد الله (ع)، في قوله تعالى: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ) قال: (النبا العظيم الولاية. وسألته عن قوله: (هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ)، قال: ولاية أمير المؤمنين (ع)) بحار الأنوار: ج 42 ص 352.

وعن أبي الحسن الرضا (ع)، في قوله تعالى: (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ \* الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ) قال: (قال أمير المؤمنين (ع): ماله نبا أعظم مني وما لله آية أكبر مني، وقد عرض فضلي على الأمم الماضية على اختلاف ألسنتها فلم تقر بفضلي) مستدرک سفينة البحار - للشيخ علي النمازي: ج 9 ص 509. (المعلق).

[190]- عن الصادق (ع)، قال: (أمر إبليس بالسجود لآدم فقال: يا رب وعزتك إن أعفيتني من السجود لآدم لأعبدك عبادة ما عبدك أحد قط مثلها. قال الله جل جلاله: إني أحب أن أطاع من حيث أريد) بحار الأنوار: ج 2 ص 262. (المعلق).

[191]- عن جميل بن دراج، عن أبي عبد الله (ع) قال: سألته عن إبليس أكان من الملائكة؟ وهل كان يلي من أمر السماء شيئاً؟ قال: (لم يكن من الملائكة، ولم يكن يلي من السماء شيئاً، كان من الجن وكان مع الملائكة، وكانت الملائكة تراه أنه منها، وكان الله يعلم أنه ليس منها، فلما أمر بالسجود كان منه الذي كان) بحار الأنوار: ج 11 ص 119. (المعلق).

[192]- از علی بن ابی طالب (ع) نقل شده است که فرمود: «صخر فرزند حرب آمد و در پیشگاه رسول الله (ص) نشست و گفت: ای محمد، این امر (خلافت) بعد از شما برای ما است یا برای کس دیگر؟ رسول خدا (ص) فرمود: ای صخر، این امر بعد از من از آن کسی است که نسبت به من به مانند هارون برای موسی باشد. علی (ع) فرمود: پس خداوند متعال نازل فرمود: «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ \* الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» که گروهی، تأیید کننده‌ی ولایت و خلافت علی (ع) هستند و گروهی دیگر آن را تکذیب می‌کنند. سپس فرمود: «کلا» (هرگز)، که درباره‌ی آنها نازل شد که «سيعلمون» (خواهند فهمید) که بعد از تو خلافت او حق است، «ثم کلا سيعلمون» (هرگز، قطعاً خواهند فهمید) و می‌فرماید: حق ولایت و خلافت او را خواهند فهمید در حالی که در گور خود از آنها در مورد خلافت و ولایت او سؤال می‌شود و هیچ مرده‌ای چه در شرق و چه در غرب زمین و بیابان و دریا نمی‌ماند مگر اینکه دو فرشته‌ی نکیر و منکر از او در مورد ولایت امیر مؤمنان خواهند پرسید. از مرده می‌پرسند: خدای تو کیست؟ دینت چیست؟ پیغمبرت کیست؟ امامت کیست؟». مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب: ج 2 ص 276.

سدير صدفی از ابو عبد الله (ع) روایت کرده است: درباره‌ی این سخن خداوند تبارک و تعالی «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (بلکه قرآن آیاتی است روشن که در سینه‌ی اهل دانش جای دارد) و این سخن «قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ \* أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ» (بگو: این خبری بزرگ است \* که شما از آن روی برمی‌گردانید) پرسیدم. ایشان (ع) فرمود: «کسانی که علم به آنها داده شده است، ائمه و خبر، امامت می‌باشد». بحار الانوار: ج 32 ص 203.

از عبد الله بن كثير روایت شده است: از ابو عبد الله درباره‌ی این سخن خداوند متعال «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ» پرسیدم. فرمود: «خبر عظیم، همان ولایت است». و درباره‌ی این سخن «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ» (این ولایت حق خداوند است) پرسیدم، فرمود: «ولایت امیر المؤمنین (ع)». بحار الانوار: ج 42 ص 352.

از ابو الحسن رضا (ع) در مورد این سخن خداوند متعال «عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ \* عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ \* الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ» نقل شده است که فرمود: «امیر المؤمنین (ع) فرمود: به خدا سوگند خبری عظیم‌تر از من وجود ندارد و به خدا سوگند، آیه و نشانه‌ای

بزرگ‌تر از من نیست. فضیلت و برتری من بر امت‌های پیشین با اختلاف زبان‌هایی که داشتند، عرضه شد و به فضل و برتری من اقرار نمودند». مستدرک سفینه‌ی بحار - شیخ علی نمازی: ج 9 ص 509.

[193] - از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «ابلیس به سجده بر آدم امر شد. گفت: خداوند، به عزّت قسمت می‌دهم که اگر مرا از این فرمان معاف کنی، تو را به گونه‌ای عبادت کنم که هیچ مخلوقی هرگز تو را آن گونه عبادت نکرده باشد. خداوند جلّ جلاله به او فرمود: من دوست دارم آن گونه که می‌خواهم عبادت شوم». بحار الانوار: ج 2 ص 262.

[194] - از جمیل بن دزّاج نقل شده است: از ابو عبد الله (ع) پرسیدم: آیا ابلیس از ملائکه است؟ و آیا او از امر و اخبار آسمان چیزی می‌داند؟ فرمود: «از ملائکه نیست و از اخبار آسمان چیزی نمی‌داند. او از جنّیان و همراه با ملائکه بود. ملائکه او را از خود می‌دیدند در حالی که خداوند می‌داند که او در زمره‌ی آنها نمی‌باشد. وقتی امر به سجده شد، آنچه اتفاق افتاد، از او سر زد». بحار الانوار: ج 11 ص 119.

[195] - الشعراء: 227.

[196] - شعرا: 227.

[197] - النبأ: 31.

[198] - نبأ: 31.

[199] - ص: 68 - 88.

[200] - ص: 68 تا 88.